



بررسی رابطه بین پرخاشگری و شیوه های فرزند پروری در دانش آموزان مقطع هشتم شهرستان بردسیر

طاهره عبدی

کارشناس ارشد علوم تربیتی (مشاور مدرسه). بردسیر، بردسیر. ایران.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین پرخاشگری و شیوه های فرزند پروری دانش آموزان مقطع هشتم شهرستان بردسیر در سال ۱۳۹۵ بوده است. تحقیق حاضر، یک تحقیق کاربردی از نوع توصیفی و با روش همبستگی می باشد جامعه آماری این تحقیق کلیه دختران مقطع هشتم شهرستان بردسیر در سال ۱۳۹۵ می باشد که ۱۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند (نمونه گیری تصادفی ساده) و سپس با اتخاذ برنامه ریزی لازم و اجرای شیوه مناسب، پرسش نامه پرخاشگری AGQ و پرسشنامه سبک های فرزند پروری دایانا بامریند استفاده گردید. نتایج پژوهش با آزمون پیرسون نشان داد که بین سبک فرزند پروری مستبدانه و سهل گیرانه با پرخاشگری رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

کلید واژه ها: پرخاشگری، شیوه های فرزند پروری

مقدمه

تربیت نادرست والدین یکی از عوامل مؤثر در ایجاد پرخاشگری است. عدم ارائه محبت کافی، داشتن رابطه سرد، تبعیض میان کودکان، کتک زدن و بد رفتاری والدین با کودکان پرخاشگری را تشدید می کند (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۶۸-۱۶۷). در عین حال که پرخاشگری یک رفتار مطلوب در مسیر رشد طبیعی کودک است، ولی اگر تحت کنترل صحیح نباشد، می تواند به صورت هیجان از هم پاشیده ای در آید. پرخاشگری بیش از حد طبیعی، نمایانگر آن است که کودک در یادگیری رفتار مطلوب در مواجهه با محرک هایی که خشم او را بر می انگیزد، شکست خورده است. صاحب نظران معتقدند که پرخاشگری ممکن است یا از ناکامی های بنیادی ناشی گردد، یا به علت وجود مدل های پرخاشگرانه در کودکان بوجود آید. هر اندازه والدین در خانه پرخاشگرانه تر عمل کنند، فرزندان آنان بیشتر پرخاشگر خواهند شد. تحقیقات نشان می دهد پرخاشگری در خانواده های سختگیر که تنبیه بدنی را در تربیت کودک ضروری می دانند، بیشتر دیده می شود. اعتقاد بر این است که برخی از انواع پرخاشگریها در خانه هایی که اجازه هرنوع پرخاشگری داده میشود، و هرگز به طور سریع رفتارها تنبیه نمی شوند، ریشه می دواند (نویا، نژاد، ۱۳۷۵).

باس (۱۹۶۱) در تعریفی کلاسیک از پرخاشگری، آن را «واکنشی با هدف آسیب رساندن به جاندار دیگر» توصیف میکند. با وجود این صاحب نظران تعریف کاملاً رفتارگرایانه باس را از جهاتی بسیار کلی میدانند. زیرا این تعریف از یکسو بسیاری از رفتارهایی که پرخاشگری نامیده نمیشوند را نیز دربرمیگیرد و از سوی دیگر تعریف جامعی نیست، زیرا مثلاً هیچ یک از فرایندهای غیر رفتاری، نظیر افکار و احساسات را شامل نمیشود. پس از این تعریف چند معیار رفتاری دیگر به منظور دست یافتن به تعریفی متعادلتر ارائه شد (تدشی و فلسون، ۱۹۹۴). اگر بخواهیم رفتار کسی را پرخاشگرانه بنامیم، آن رفتار باید به قصد وارد کردن پیامدهایی بر طرف مقابل انجام شود، که به نوبه خود این انتظار را به وجود میآورد که این رفتار نتایجی به دنبال خواهد داشت. تأکید بر قصد آسیب زدن سبب میشود که رفتارهایی چون کمک نکردن به یک فرد نیازمند نیز در زمره رفتارهای پرخاشگرانه قرار گیرد. یکی دیگر از ملاکهای رفتارهای پرخاشگرانه، تمایل هدف به اجتناب از آسیب دیدگی است. بارون و ریچاردسون (۱۹۹۴) با در نظر گرفتن مواردی که گفته شد، تعریف دقیقی از پرخاشگری ارائه کردند. به نظر آنها واژه پرخاشگری را زمانی به کار میبریم که «رفتاری با هدف صدمه زدن یا آسیب رساندن به موجود زنده ای که سعی دارد از چنین آسیبی اجتناب کند، بروز نماید

حمایت و شیوه درست فرزند پروری به رفتارها یا اعمال محبت آمیز، مساعدت و همیاری که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می دارند، اشاره دارد، شیوه درست تربیت و فرزند پروری که فرزندان از والدین خود دریافت می کنند منجر به سلامت پایدار قابل توجهی می شود، زیرا رابطه والدین و فرزندان با فراهم آوردن شرایط افزایش سلامت موجب رشد و تحول روانی، اجتماعی و زیستی می شود. در حقیقت شیوه های درست فرزند پروری والدین بر رشد و افزایش سلامت روانی فرد تاثیر می گذارد. به ویژه در طول دوران اولیه زندگی، والدین یک نوجوان، اغلب منبع اصلی رشد احساس عزت نفس و یادگیری راههای موثر اعمال کنترل شخصی می باشند آنها همچنین نحوه درست رابطه برقرار کردن با دیگران را فراهم می کنند که به دور از هر گونه کمروئی و اعتماد به نفس پایین است (لئوناردیو، کایو سگلو، ۲۰۰۲).

شیوه های مختلف فرزند پروری و تاثیر آن را روی جوانب مختلف کودک مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شباهتها و تفاوتها در سبکهای مختلف فرزند پروری به طور کامل در ساختار رفتارهای اجتماعی انعکاس پیدا می کند. (آدامز و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهش های مارتین و مکویی (۱۹۸۳). نشان داده است که پذیرش فرزند از جانب والدین و پاسخگو بودن آنها، پیش بینی کننده کفایت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی کودک در آینده است و فقدان پاسخگویی والدین در برابر فرزند نتایج منفی در رشد آینده او داشته و منجر به کناره گیری و کمبود توجه در کودک می گردد. (بیکرمنز، ۱۹۹۷).

والدینی که به طور مستمر نوجوانان و نوجوانان خود را مورد حمایت قرار می دهند، با آنان گرم و صمیمی هستند و کنترل منطقی و متعادلی را اعمال می کنند. در فرزندان خود اشتیاق ابراز رفتارهای اجتماعی قابل قبولی را ایجاد می کنند و نیز زمینه مساعد برای بروز توانایی ها و قابلیت های نوجوانان و نوجوانان خود را فراهم می آورند. برعکس والدین محدود کننده و طردکننده با محدود ساختن شایستگی های فرزندان خود آنان را به تجربه درآوردن توانمندی هایشان محروم می کنند، با گذشت زمان این گروه از نوجوانان کم کم به این باور می رسند که بدون کمک والدین نمی توانند با موضوعات و مسائل زندگی به طریق صحیح و موثر رو به رو شوند. چنین باوری در آنان احساس ترس و اضطراب به وجود می آورد. (راسل هارت رابینسون و اولسن، ۲۰۰۳ به نقل از وینسلر و همکاران، ۲۰۰۵). در تحقیقات معنادار بودن تفاوت های جنسیتی احتمالی در سبک های فرزند پروری، مبنی بر اینکه مادران بیشتر به روش های فرزند پروری مطابق با سبک مقتدرانه می پردازند. هاگسلی (۲۰۰۶). در تحقیق خود به این نتیجه رسید، والدینی که با فرزندان خود رابطه گرم و صمیمی و شیوه فرزند پروری مقتدرانه داشتند، جهت

گیری انضباطی در آنها در رفتار با فرزندانشان به صورت ارتباطی و حمایتی می‌باشد (دارلینگ، ۱۹۹۹). در نتایج مثبت و معنادار خود این گونه بیان می‌کند، والدین منطقی و پذیرا خصوصیات مثبت فرزندانشان را تشویق و درصدد برنامه ریزی دقیق و خوب برای آنها می‌باشند. (گروپمن، ۲۰۰۶) معنادار بودن نتایج را در شیوه‌های مقتدرانه و خواسته‌های متناسب با توانایی‌های فرزندان خود، و انتظارات به موقع در رفتار آنها در قاطع بودن، دارای حس مسئولیت پذیری اجتماعی، خود نظم جو و مشارکت کننده می‌داند (گرانیمیر، ۲۰۰۶) در نتیجه تحقیقات خود می‌گوید، والدین شیوه مقتدرانه فرزندانی مستقل بار می‌آورند که اغلب رفتار اجتماعی شایسته‌ای دارند، بر رفتارهای خود کنترل داشته و با دوستان و همسالان خود رفتار دوستانه‌ای دارند و از حرمت خود بالایی، برخوردارند. (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲).

روش پژوهش

تحقیق حاضر، یک تحقیق کاربردی از نوع توصیفی و با روش همبستگی می‌باشد جامعه پژوهش کلیه دختران مقطع هشتم شهر بردسیر در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل می‌دهند. نمونه پژوهش ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دختر بردسیر در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ می‌باشد. در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

پرسش نامه پرخاشگری AGQ

این پرسش‌نامه مشتمل بر ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن عامل خشم و هشت ماده آن عامل تهاجم و هشت ماده، عامل کینه‌توزی را می‌سنجد. مقیاس AGQ یک مقیاس خود گزارش دهی مداد کاغذی است و آزمودنی به یکی از چهار گزینه هرگز، بندرت، گاهی اوقات و همیشه پاسخ گفته و برای هر یک از ۴ گزینه مذکور به ترتیب مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ در نظر گرفته می‌شود به جز ماده ۱۸ که بار عاملی منفی دارد و جهت نمره گذاری در آن معکوس است. نمره کلی این پرسش‌نامه از صفر تا ۹۰ با جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید. افرادی که در این مقیاس نمره آنان از میانگین کمتر است، پرخاشگری پایین خواهند داشت. خصوصیات روان‌سنجی این مقیاس که به وسیله تحلیل عوامل ساخته شده است بدین شرح است (زاهدی فر، ۱۳۷۵): ضرائب باز آزمایی به دست آمده بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت (آزمون و آزمون مجدد) برای کل آزمودنی‌ها (N=۹۱)، آزمودنی‌های دختر (N=۴۸) و آزمودنی‌های پسر (N=۳۸) به ترتیب $r = 0.70$ و $r = 0.79$ بوده است.

همچنین در مقیاس AGQ ضرائب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل آزمودنی $\text{Alpha} = 0.874$ ، برای آزمودنی‌های دختر 0.86 و Alpha و برای آزمودنی‌های پسر 0.89 بوده است. ضرایب همبستگی توسط زاهدی فر بین نمره خرده مقیاس pd (یکی از خرده مقیاس های MMPI) و مقیاس AGQ برای کل آزمودنی‌ها (N=۱۰۵)، $r = 0.58$ ($p = 0.001$) و ضرایب همبستگی میان کل (پرسش‌نامه BDVIT پرسش‌نامه خصوصیت-گناه باس و دورکی ۱۹۵۷) و مقیاس AGQ برای کل آزمودنی‌ها (N=۲۱۵)، $r = 0.56$ ($p = 0.001$) گزارش شده است.

پرسشنامه ی شیوه‌های فرزندپروری دایانا بامریند

شیوه‌های فرزندپروری برخلاف رفتارهای خاص پرورشی از الگوهای فرهنگی پیروی نمی‌کند. یعنی شیوه‌های فرزندپروری در الگوهای مختلف فرهنگی و جوامع مختلف یکسان هستند (دارلینگ، استنبرگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲). شیوه‌های فرزندپروری در ایران نیز از همان الگوهای یکسان مشابه جهان پیروی می‌کند. دایانا بامریند در سال ۱۹۷۳ مجموعه بررسی‌هایی را انجام داد که طی آن الگوهایی از شیوه‌های فرزندپروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه‌ای را طراحی کرد که این پرسشنامه ابتدا به صورت ۴۸ سؤالی تهیه شده بود. با وجود این از مقیاس ۴۸ سؤالی اول، ۳۶ سؤال بوسیله بیست و یک متخصص در حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی، برای بیان سه دیدگاه اولیه بامریند در مورد والدین انتخاب شد. در نهایت از ۳۶ سؤال ۳۰ سؤال در مقیاس نهایی جای گرفت که نمره هر سؤال، مربوط به یکی از سطوح اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری می‌باشد. این پرسشنامه به نام خود او معروف است.

پایایی و اعتبار پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری

بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش نموده است. 0.86 برای شیوه ی استبدادی، 0.78 برای شیوه ی قاطع و اطمینانبخش و 0.81 برای شیوه ی سهل گیر. هم چنین پایایی پرسشنامه در بین پدران برای شیوه ی استبدادی 0.85 ، برای شیوه ی قاطع و اطمینانبخش 0.92 و برای شیوه ی سهل گیر 0.77 بدست آمده است. وی برای بررسی بیشتر میزان اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار افتراقی استفاده کرد. او مشاهده نمود که مستبد بودن مادر رابطه ی معکوس با سهل گیری



(-۰/۳۸) و اقتدار منطقی مادر(-۰/۴۸) دارد. هم چنین مستبد بودن پدر رابطه ی معکوس با سهل گیری (-۰/۵۰) و اقتدار منطقی وی (-۰/۵۲) دارد. در ایران برای اولین بار اسفندیاری (۱۳۷۴). فرم اصلی را ترجمه نمود و برای تعیین اعتبار آن اصلاحات لازم را به عمل آورده و جمله‌های دیگری نیز به آن اضافه نمود. سپس از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران در زمینه ی روانشناسی و روانپزشکی خواست تا میزان اعتبار هر جمله را مشخص نموده و در صورت لزوم، نظر اصلاحی خود را بیان نمایند. نتیجه ی این بررسی نشان داد که پرسشنامه دارای اعتبار خوبی است. وی برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش بازآزمایی استفاده کرد. از ۱۲۰ نفر از مادران نمونه خواست تا پرسشنامه ی مذکور را پاسخ دهند. بعد از گذشت یک هفته مجدداً پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل گردید. میزان پایایی برای شیوه ی سهل گیر ۰/۶۹، برای شیوه ی استبدادی ۰/۷۷، و برای شیوه ی اقتدار منطقی ۰/۷۳ بدست آمد (لیل آبادی، ۱۳۷۵: ۵۷). در تحقیق کنونی نیز پژوهشگر برای محاسبه ضریب پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده نموده، که ضریب پایایی بدست آمده (۰/۸۲) می باشد که ضریب قابل قبولی می باشد.

روش نمره گذاری پرسشنامه دایانا بامریند

این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می باشد که ۱۰ جمله ی آن به شیوه ی سهل گیرانه (جملات شماره‌های ۲۸، ۲۴، ۲۱، ۱۹، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۶، ۱). و ۱۰ جمله ی آن به شیوه ی مستبدانه (جملات شماره‌های ۲۹، ۲۶، ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲). و ۱۰ جمله ی دیگر آن به شیوه ی قاطع و اطمینانبخش (جملات شماره‌های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵، ۴). مربوط می شود. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً موافقم، مخالفم، تقریباً مخالفم و کاملاً مخالفم قرار دارد. که بترتیب از ۴ تا ۰ نمره گذاری می شوند. با جمع نمرات جملات مربوط به هر شیوه سه نمره ی مجزا بدست می آید (لیل آبادی، ۱۳۷۵: ۷۷-۷۶).

یافته های پژوهش

جدول ۴-۲. آمار توصیفی مربوط به فرضیه های پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
سبک تربیتی مقتدرانه	۲۷۷	۳.۳۴۴۵	۰.۵۹۵۸۸	۱	۵
سبک تربیتی سهل گیر	۲۷۷	۳.۳۱۳۲	۰.۸۲۷۷۲	۱	۵
سبک تربیتی مستبد	۲۷۷	۳.۶۹۴۲	۰.۷۹۱۸	۱	۵

One-Sample Statistics

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف معیار
شیوه فرزندپروری والدین	۱۰۰	۲.۱۴۳۲	۰.۹۱۴۷	۰.۰۵۲۹۹

جدول ۴-۵. آمار توصیفی مربوط به شیوه فرزندپروری

One-Sample Test

	Test Value = 3					
	T	درجه آزادی	آزمون معنی داری دو طرفه	اختلاف میانگین	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵٪	
					پائین	بالا
شیوه فرزندپروری والدین	۱.۵۶۹	۴۹	۰.۰۰۹	۰.۱۲۶۹	-۰.۷۳۲۶	۲.۹۳۱۲

One-Sample Statistics

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف معیار
شیوه فرزندپروری سهل گیر و پرخاشگری دختران راهنمایی	۱۰۰	۲.۶۹۴۲	۰.۷۹۱۸	۰.۰۴۵۸۷

جدول ۴-۷. آمار توصیفی مربوط به شیوه فرزندپروری سهل گیر و پرخاشگری

One-Sample Test

	Test Value = 3					
	t	درجه آزادی	آزمون معنی داری دو طرفه	اختلاف میانگین	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵٪	
					پائین	بالا
شیوه فرزندپروری سهل گیر و پرخاشگری دختران	۱.۹۷۹	۴۹	۰.۰۰۷	۰.۵۴۵۶	-۰.۲۷۶۵	۲.۴۱۲۴

جدول ۴-۸. آزمون t مربوط به شیوه فرزندپروری سهل گیر و پرخاشگری دختران

One-Sample Statistics

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف معیار
شیوه فرزندپروری مستبد و پرخاشگری دختران	۵۰	۲.۳۱۳۲	۰.۸۲۷۷۲	۰.۰۴۷۹۵

جدول ۴-۹. آمار توصیفی مربوط به شیوه فرزندپروری مستبد و پرخاشگری دختران

One-Sample Test

	Test Value = 3					
	t	درجه آزادی	آزمون معنی داری دو طرفه	اختلاف میانگین	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵٪	
					پائین	بالا
شیوه فرزندپروری مستبد و پرخاشگری دختران	۱.۵۳۳	۴۹	۰.۰۰۹	۰.۳۸۶۹	-۰.۲۲۵۹	۲.۴۰۷۶

جدول ۴-۱۰. آزمون t مربوط به شیوه فرزندپروری مستبد و پرخاشگری دختران

one-Sample Statistics

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای انحراف معیار
شیوه فرزندپروری مقتدر و پرخاشگری دختران	۵۰	۲.۲۴۴۵	۰.۵۹۵۸۸	۰.۰۳۴۵۲

جدول ۴-۱۱- آمار توصیفی مربوط به شیوه فرزندپروری مقتدر و پرخاشگری دختران

One-Sample Test

	Test Value = 3					
	t	درجه آزادی	آزمون معنی داری دو طرفه	اختلاف میانگین	اختلاف فاصله اطمینان %۹۵	
					پائین	بالا
شیوه فرزندپروری مقتدر و پرخاشگری دختران	۱.۷۴۷	۴۹	۰.۰۴۵	۰.۳۴۶۲۱	-۰.۲۸۲۱	۲.۴۵۶

جدول ۴-۱۲- آزمون t مربوط به شیوه فرزندپروری مقتدر و پرخاشگری دختران

بحث و نتیجه گیری

این فرضیه با پژوهش اشتینبرگ و همکاران (۱۹۹۴) همسو می باشد والدینی که از روش فرزند پروری آسان گیرانه استفاده می کنند مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند کنترل کمی بر رفتار خود اعمال می کنند و به آنها اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند ، حتی اگر هنوز قادر به انجام کار نباشد فرزند آنها می توانند هر وقت که بخواهند غذا بخورند و بخوابند و هر مقدار که دوست داشته باشند تلویزیون تماشا کنند آنها مجبور نیستند طرز رفتار خوب را یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند اگر چه برخی از والدین آسان گیر واقعا به این روش اعتقاد دارند بسیاری دیگر به توانایی خود در تاثیر گذاشتن به رفتار فرزند خود اطمینان ندارد فرزندان والدین آسان گیر سرکش و نافرمان هستند . در مقایسه با کودکانی که والدین آنها کنترل بیشتری اعمال می کنند ، آنها نیز بیش از حد پر توقع و به بزرگ ترها وابسته هستند و در تکالیف استقامت کمتری نشان می دهند . رابطه بین تربیت آسان گیرانه و رفتار وابسته در مورد پسرها بسیار قوی است .

والدین مستبد نیز بر فرزندان خود کنترل اعمال می کنند ولی این کار را با رابطه ای سرد، بی تفاوت، یا طرد کننده انجام می دهند. فرزندان آنها عزت نفس پایین تری دارند، نزد همسالان کمتر محبوب هستند، و در مقایسه با کودکانی که والدین مقتدر دارند در مدرسه به طرز نامناسب تری عمل می کنند .

والدین مقتدر ، صمیمی و دلسوز و نسبت به نیازهای کودک احساسی هستند . آنها رابطه خود را با فرزند به صورت هیجانی خشنود کننده ولذت بخش برقرار می کنند که فرزند را به سمت ارتباط نزدیک می کشاند.والدین مقتدر در عین حال ، کنترل قاطع و معقولی را اعمال می کنند آنها روی رفتار پخته تاکید دارند و برای انتظارات خود دلیل می آورند و بالاخره ، والدین مقتدر به تدریج استقلال مناسب به فرزند داده و به او اجازه می دهند در زمینه هایی که آمادگی دارد تصمیماتی را بگیرد . تربیت مقتدرانه در طول دوره کودکی و نوجوانی با چند جنبه از شایستگی ارتباط دارد.

سبک فرزندپروری دموکراتیک بیانگر تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، کنترل منصفانه و واقع بینانه است، ولی سبک فرزندپروری سهلگیرانه و استبدادی بیانگر تعامل نامناسب و نادیده گرفتن و در عین حال، کنترل غیر منصفانه و غیرمنطقی است و با توجه به اهمیتی که جوامع امروزی برای تداوم و بقای خانواده و سلامت روانی افراد جامعه قائل هستند، بررسی مشکلات و عواملی که منجر به زوال خانواده و پرخاشگری فرزندان میانجامد، ضروری به نظر می رسد، که در این میان خانواده و شیوه برخورد و تربیتی والدین، اصلیتترین و بیشترین نقش را در بوجود آمدن مشکلات رفتاری و شخصیتی و اجتماعی در فرزندان می شود .

بنابراین، امید است از طریق بالا بردن آگاهی والدین در مدارس یا رسانه‌های جمعی سبک فرزندپروریشان حول دموکراتیک بچرخد. بین شیوه فرزندپروری استبدادی والدین و پرخاشگری نوجوان رابطه وجود دارد. بنابراین سبک فرزندپروری دموکراتیک بیانگر تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، کنترل منصفانه و واقع بینانه است، ولی سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی بیانگر تعامل نامناسب و نادیده گرفتن و در عین حال، کنترل غیرمنصفانه و غیرمنطقی است و با توجه به اهمیتی که جوامع امروزی برای تداوم و بقای خانواده و سلامت روانی افراد جامعه قائل هستند، بررسی مشکلات و عواملی که منجر به زوال خانواده و پرخاشگری فرزندان می انجامد، ضروری به نظر می رسد، که در این میان خانواده و شیوه برخورد و تربیتی والدین، اصلی ترین و بیشترین نقش را در بوجود آمدن مشکلات رفتاری و شخصیتی و اجتماعی در فرزندان می شود. بنابراین، امید است از طریق بالا بردن آگاهی والدین در مدارس یا رسانه های جمعی سبک فرزندپروریشان حول دموکراتیک بچرخد.

منابع فارسی:

- کریمی، علی اکبر (۱۳۸۹)؛ بررسی رابطه بین کارکرد خانواده با سبک‌های هویت و جهت گیری مذهبی در دانش آموزان دختر و پسر سوم متوسطه شهرستان جلفا، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۴) مباحثی در روانشناسی و تربیت نوجوانان و نوجوانان، نشر انجمن اولیاء و مربیان، تهران
- کاپلان سادوک، خلاصه روانپزشکی- ترجمه پورافکاری- (۱۳۷۳) انتشارات شهر آب
- شهید مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت در اسلام انتشارات صدرا- چاپ بیست و ششم
- شاملو- سعید (۱۳۷۴) مکتب ۵ و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت- انتشارات رشد- چاپ پنجم
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۷)، نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی- چاپ انتشارات دانشگاه تهران- چاپ هفتم
- کریمی- یوسف (۱۳۷۵)- روانشناسی شخصیت، انتشارات نشر ویرایش، چاپ دوم
- ریس شان- گراهان، رودریک (۱۹۹۸)- آموزش ابراز وجود- ترجمه شهنی بیلاقی تهران- انتشارات رشد (۱۳۷۷)
- آزاد- حسین- آسیب روانی- انتشارات رشد تهران ۱۳۸۴
- بهادری- احمد- نظریه های روان درمانی- انتشارات باران تهران ۱۳۸۵
- پوررجبلی- مصطفی- پرخاشگری و نوجوانان- انتشارات نور تهران ۱۳۸۴
- سعیدی راد- بهمن- اختلالات روانی- انتشارات راهبر تهران ۱۳۸۳
- ستوده- هدایت الله- روان شناسی اجتماعی- انتشارات بهار تهران ۱۳۸۵
- شاملو- سعید- سلامت روانی- انتشارات ارجمند- تهران ۱۳۸۴
- شعاری نژاد- علی اکبر- روان شناسی رشد- انتشارات ارسبادان تهران ۱۳۸۵
- رحیمیان- حوریه بانو- پرخاشگری و روشهای درمانی- انتشارات سحت- تهران ۱۳۸۵
- دعوی نژاد- بهادر- اختلالات رفتاری- انتشارات فرهنگیان- تهران ۱۳۸۵
- محمدی- سید یحیی- نظریه های روان درمانی- انتشارات سحت- تهران ۱۳۸۶
- مهری- منیره- پرخاشگری- انتشارات- تهران ۱۳۸۳
- لطف آبادی- حسین- (۱۳۸۵). روان شناسی شخصیت، تهران، انتشارات نور
- نوروزی- ابراهیم- (۱۳۸۳) پرخاشگری و راهکارهای آن، تهران، انتشارات بهار.